

حقوق و تکالیف متقابل فرزندان و والدین از نظر اسلام

مهدی بیژنی*

چکیده: خانواده و حقوق متقابل والدین و فرزندان نسبت به یکدیگر اساس اجتماع و به عقیده جامعه‌شناسان یکی از عوامل مهم ایجاد تمدن است. رشد و پرورش افراد در خانواده پایه‌گذاری شده است و سلامت و سعادت جامعه بشری در گرو تربیت صحیح و استواری است که در خانواده پدید آمده است. امروزه بسیاری از فرزندان در محیط نابسامان خانواده رشد یافته‌اند و از تربیت درست و آرامش و سکونی که لازمه رشد است برخوردار نمی‌باشند. این امر در دراز مدت زمینه‌ساز نابسامانی‌های رفتاری و حتی انحراف و لغزش بسیار است. اسلام در این زمینه رهنمودهایی دارد که باور ما این است که رعایت و اجرای آن می‌تواند نابسامانی‌ها را از بین ببرد و ریشه‌تزلزل را از میان بردارد. در بینش اسلامی حیات خانواده مبتنی بر ضوابط ایمان و اخلاق و متکی بر حقوق است که دامنه آن در برگرفته‌شأن زن، شوهر، فرزندان و والدین است. در این بررسی کوتاه سعی شده است به توضیح و تشریح حقوق متقابل والدین و فرزندان نسبت به یکدیگر در یک خانواده اسلامی پرداخته شود. طبیعی است که مستندات ما در این بررسی منابع اصیل اسلامی و تجربه اسلام در طول مدت چهارده قرن می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: اسلام، فرزند، والدین، حقوق، خانواده، روایت‌ها، احسان، تعلیم و تربیت، جوانان.

* دانشجوی مقطع کارشناسی، رشته الهیات، معارف اسلامی و ارشاد، گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی، ورودی ۱۳۸۳، دانشگاه امام صادق (ع).

مقدمه

در چهارده قرن قبل در روزگار تیره جهل و نادانی و در دنیای عقب افتاده حجاز، پیشوای گرامی اسلام به ارزش و اهمیت پرورش کودک، توجه کامل داشته و در این باره اصل ازدواج و شرایط زن و شوهر از نظر پاکی نسل و همچنین درباره شیر دادن و پرورش جسم و جان کودک، قدم به قدم وظایف مردم را بیان فرموده است. دوران کودکی از نظر پی‌ریزی اساس زندگی، اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. تربیت‌های صحیح یا فاسد دوران طفولیت سرچشمه مهم نیک و بد‌های دوران عمر است. آدمی در طول ایام حیات خود بر طبق خلقیات خویش عمل می‌کند و اساس خلق و خوی آدمی در ایام کودکی ساخته می‌شود.

قرآن شریف می‌فرماید: «اعمال و افعال هر انسانی بروفق شاکله او است»^۱ و به عبارت روشن‌تر کارهای هر انسانی مطابق خلق و خوی و طبیعت او خواهد بود. «حقیقتی که روز به روز بیشتر آشکار می‌شود این است که ادراک‌های دوران بچگی و وقایع و تجارب آن بر زندگی بعدی و شخصیت انسان اثر قاطعی دارد و به جرأت می‌توان گفت که این ادارک‌ها و تجارب، سلامتی، بیماری، خوشبختی یا بدبختی افراد را در تمام عمر پی‌ریزی می‌نماید. طفل در این سال‌های کودکی تار و پود زندگی را با دست خود می‌سازد و از همان روزهای اولی که گهواره را ترک می‌گوید، هر چه باید بشود یا نشود شده است. در اولین روزهای شیرخوارگی، زندگی احساساتی طفل پی‌ریزی می‌شود. بدین معنی که یا دنیای خارج در نظر او یک چیز موافق و امیدبخش جلوه می‌کند یا از همان اول، آن را پر از ناروایی و ناامیدی احساس می‌نماید و یا از همان اول می‌فهمد که با گریه و زاری و جیغ و داد بر محیط خارج باید غلبه کرد و یا باور می‌کند که کسی هست که وضع او را می‌فهمد و شرایط محیط را برایش مساعد می‌سازد. اینها و دیگر حقایق و تجارب همگی بر مغز و روح نوزاد چنان اثر می‌گذارند که در تمام طفولیت، بلوغ، و سالمندی ادامه خواهند یافت» (فلسفی، ۱۳۶۳: ج ۲، ۱۰۶). رسول اکرم (ص) درباره کودکان و خردسالان به اولیاء آنها می‌گویند: «به کودکان

محبت کنید و نسبت به آنها ترحم نمائید، وقتی به آنان وعده دادید، وفا نمایید زیرا آنها جز اینکه شما را روزی دهنده خود می‌بینند تصور دیگری ندارند» (ابن بابویه، ۱۳۶۳: ج ۳، ۳۱۱).

رسول اکرم (ص) در یک جمله کوتاه و فشرده، حقوق کودکان را با تعبیر محبت و ترحم به آنها فرموده است. ترحم به یک فرد متضمن اجراء تمام حقوق و مزایا درباره او می‌باشد. امام سجاد (ع) فرمود: «و اما حق فرزند تو این است که بدانی او از تو و پیوسته به تو در خیر و شر دنیا تبعیت می‌کند، و تو مسئول او از لحاظ نیک ادب کردن و راهنمایی به پروردگارش و کمک به اطاعت او هستی. پس عمل تو درباره او مانند عمل کسی باشد که می‌داند در احسان به او دارای وظیفه است و در مسامحه و بدی نسبت به او کیفر می‌بیند» (مجلسی، ۱۳۶۲: ج ۷۴، ۵). امام سجاد (ع) در روایت فوق به پدران یادآور شده است که خیر و شر فرزند در دنیا به او بستگی دارد و او مسئول دین و ادب فرزند و احسان به کودک خود می‌باشد بنابراین پدر مهمترین مسئولیت را نسبت به کودک خود دارد. چون محبوبترین موجود نزد خداوند، کودکان هستند.

والدین در طول زندگی فرزند زحمات طاقت‌فرسایی برای او متحمل می‌شوند آنها از تمام وجودشان مایه می‌گذارند تا فرزند دلنشان در آرامش و راحتی زندگی را بسر برد مادر رنج دوران بارداری را متحمل شده و از شیر جانش به فرزند می‌خورد و شب‌های بسیار را در کنار فرزند بیدار می‌ماند و درد فرزند را درد خودش می‌خواند. پدر نتیجه زحمات خویش را با طیب خاطر در اختیار فرزندانش قرار می‌دهد و با تمام وجودش از آنها حمایت می‌کند. در مقابل چنین فداکاری‌هایی، فطرت سالم متواضع می‌شود و نمی‌تواند شکر و احسان متقابل انجام ندهد و اسلام که دین فطرت است و دستوراتش بر اساس فطرت انسان صادر گردیده برای فرزند وظایفی را مشخص می‌کند تا فرزندان بتوانند مقداری از زحمات والدین خویش را جبران کنند و آیات و روایت‌های بسیاری که بر وظیفه سنگین فرزند نسبت به والدین تأکید دارد، نشان دهنده اهمیت فراوان این وظیفه می‌باشد. امام سجاد (ع) در رساله حقوقشان از حق پدر و

مادر به عظمت یاد کرده‌اند و زحمات و ایثارگری‌های آنان را گوشزد کرده و حق آنها را آنقدر عظیم دانسته‌اند که فرموده‌اند جز با یاری خداوند و توفیق او کسی قادر به شکر زحمات آنها نمی‌باشد. «و اما حق مادرت بر تو این است که بدانی او زمانی تو را حمل کرده که کسی این کار را نمی‌کرد و از میوه قلبش تو را تغذیه کرده در حالیکه دیگری چنین کاری را انجام نمی‌داد و تو را با تمام اعضایش حفظ کرد. او خود گرسنه می‌ماند اما به تو غذا می‌داد، تشنه بود اما ترا سیراب می‌نمود بی لباس بود اما ترا می‌پوشاند، خود در آفتاب سوزان بود و تو را در سایه آغوشش پناه می‌داد و خواب را به خاطر تو رها می‌کرد و تو را از گرما و سرما حفظ می‌کرد تا برای او باشی و تو توانایی سپاسگزاری زحمات او را نداری مگر با یاری خداوند و توفیق». و «و اما حق پدرت این است که بدانی او اصل تست و اگر نبود تو نبودی و اگر چیزی در خود دیدی که می‌خواست باعث غرورت شود پس بدان که پدرت اصل نعمت بر تو است پس خدا را حمد و سپاس کن چرا که هیچ نیرویی نیست مگر به اراده او (مجلسی، ۱۳۶۲: ج ۷۴، ۶).

از وظایف مهم فرزند نیکی به پدر و مادر و آزار ندادن آنها می‌باشد. در این مباحث ما به وجوب احسان به والدین و حرمت حقوق آنها اشاره کرده و ثمرات نیکی به ایشان را برشمرده‌ایم.

۱- وجوب احسان به والدین

گرچه عواطف انسانی و مسئله حق‌شناسی به تنهایی برای رعایت احترام در برابر والدین کافی است ولی از آنجا که اسلام حتی در مسائلی که هم عقل در آن استقلال کامل دارد و هم عاطفه آن را به وضوح در می‌یابد سکوت روا نمی‌دارد بلکه به عنوان تأکید در این گونه موارد هم دستورات لازم را صادر می‌کند و هم در مورد احترام والدین آنقدر تأکید کرده است که در کمتر مسئله‌ای دیده می‌شود. در چهار سوره از قرآن نیکی به والدین بلافاصله بعد از مسئله توحید قرار گرفته است. این هم ردیف بودن ۲ مسئله

بیانگر این است که اسلام تا چه حد برای پدر و مادر احترام قائل است (سوره بقره، آیه ۸۳؛ سوره نساء، آیه ۴۸؛ سوره انعام، آیه ۱۵۱؛ سوره اسراء آیه ۲۳).

«فرمان قطعی خداست که جز او را نپرستید، و به پدر و مادر نیکی کنید هرگاه یکی از والدین و یا هر دو آنها در نزد تو به سن پیری برسند، کوچکترین اهانتی به آنها روا مدار و بر آنان آف مگو و گفتار بزرگوارانه و مؤذبانه به آنان بگو، بالهای تواضع خود را فرو آور، و بگو پروردگارا همانگونه که آنان مرا در کوچکی تربیت نمودند، مورد لطفشان قرار ده».^۲ در این آیه قسمتی از ریزه کاری‌ها برخورد مؤذبانه و فوق‌العاده احترام‌آمیز فرزندان را نسبت به پدران و مادران بازگو می‌کند:

یک. از یک سو انگشت روی حالات پیری آنها که در آن موقع از همیشه نیازمندتر به حمایت و محبت و احترامند گذارده، می‌گوید: کمترین سخن اهانت‌آمیز را به آنها مگو. آنها ممکن است بر اثر کهولت به جایی برسند که نتوانند بدون کمک دیگری حرکت کنند، و از جا برخیزند. وقتی ممکن است قادر به دفع آلودگی از خود نباشند، در این موقع آزمایش بزرگ فرزندان شروع می‌شود، آیا وجود چنین پدر و مادری را مایه رحمت می‌دانند و یا بلا و مصیبت و عذاب، آیا صبر و حوصله کافی برای نگهداری احترام‌آمیز از چنین پدر و مادری را دارند و یا هر زمان با نیش زبان و حتی گاهی با تقاضای مرگ او از خدا، قلبش را می‌فشارند و آزار می‌دهند؟

دو. از سوی دیگر قرآن می‌گوید: در این هنگام به آنها آف مگو، یعنی اظهار ناراحتی و ابراز تنفر مکن و باز اضافه می‌کند با صدای بلند و آهانت‌آمیز و داد و فریاد بسا آنها سخن مگو و با قول کریم و بزرگوارانه با آنها سخن بگو که نهایت ادب در سخن را می‌رساند که زبان کلید قلب است.

سه. از سوی دیگر دستور به تواضع و فروتنی می‌دهد، تواضعی که نشان دهنده محبت و علاقه می‌باشد و نه چیز دیگر.

چهار. سرانجام می‌گوید: حتی موقعی که رو به سوی درگاه خدا می‌آوری پدر و مادر را (چه در حیات و چه در ممات باشند) فراموش مکن و تقاضای رحمت پروردگار برای آنها بنما» (مکارم شیرازی، بی‌تا: ج ۱۲، ۷۵).

مرحوم علامه طباطبایی صاحب تفسیر المیزان می‌فرماید:

«اطاعت والدین و نیکوکاری در مورد آنان پس از توحید از اهم واجبات بوده و کوتاهی در حقوق آنها پس از شرک به خدا از بزرگترین گناهان است» (طباطبایی، بی‌تا: ج ۱۳، ۸۰).

احترام گذاشتن به والدین و جلب رضایت آنها آنقدر دارای اهمیت است که پیامبر (ص) رضا و خشم والدین را سبب رضا و خشم خداوند بیان فرموده است (مجلسی، ۱۳۶۲: ج ۷۴، ۸۰).

اهمیت احترام به والدین تا آن پایه است که هم قرآن و هم روایت‌های صریحاً توصیه می‌کنند که حتی اگر پدر و مادر کافر و یا ناصالح باشند رعایت احترامشان لازم است.

«اگر پدر و مادرت سعی کنند که تو چیزی را شریک من قرار دهی از آنان پیروی نکن، اما در دنیا به خوبی و نیکی با آنان معاشرت و رفتار نما».^۲

امام رضا می‌فرماید: «نیکی کردن بر پدر و مادر واجب است اگرچه مشرک و کافر بوده باشند، ولیکن اطاعت آنان چنانچه سبب معصیت و نافرمانی خدا گردد جایز نیست» (مجلسی، ۱۳۶۲: ج ۷۴، ۷۲).

از موارد احسان به والدین رعایت ادب و احترام در مصاحبت با آنها است. امور بسیاری در روایت‌های اهل بیت عصمت و طهارت بیان شده که باید در معاشرت با ایشان رعایت شود. از جمله:

یک. هرگاه والدین خود را صدا می‌زند آنها را با نام نخواند، بلکه لقب یا کنیه ایشان را ذکر کند.

دو. جلو آنها راه نرود و پیش از ایشان نشیند.

سه. قبل از آنها شروع به خوردن طعام ننماید. حضرت سجاد با مادر خود هم خوراک نمی‌شد و می‌فرمود می‌ترسم برای لقمه‌ای دست دراز کنم که مادرم قصد آنرا داشته؛ پس با این عمل رعایت حرمت و ادب او را ترک کرده باشم. چهار. در مجلس روی خود را از ایشان برنگرداند.

پنج. در سخن گفتن صدای خود را بلندتر از ایشان نکند.

شش. دست خود را بالای دست آنان قرار ندهد.

هفت. کاری نکند که مردم پدر یا مادرش را بد بگویند و سب و لعن نمایند مثل اینکه پدر کسی را سب کند که او هم برگردد پدرش را دشنام گوید.

هشت. مجبورشان نسازد که چیزی را که نیاز دارند از وی بخواهند (بلکه قبل از سؤال آنها نیازشان را برآورد) گرچه بی‌نیاز از او باشند.

نه. دیدگانش را به آنها خیره نکند با مهربانی و دلسوزی به آنها نگاه کند.

ده. صدایش را از صدای آنها بلندتر نکند.

سید قطب در تفسیر فی ظلال، حدیثی به این مضمون از پیامبر (ص) نقل می‌کند که مردی مشغول طواف بود و مادرش را بر دوش گرفته طواف می‌داد. پیامبر (ص) را در همان حال مشاهده کرد عرض کرد آیا حق مادرم را با این کار انجام دادم. حضرت فرمود: نه، حتی جبران یکی از ناله‌های او را (به هنگام وضع حمل) نکرده‌ای (مکارم شیرازی، بی تا: ج ۱۲، ۷۹).

امام باقر (ع) می‌فرماید: پدرم مردی را دیدند که همراه پسرش راه می‌رفتند و پسر روی شانه پدر تکیه داده بود (به حالت بی‌احترامی) پدرم به خاطر این بی‌احترامی پسر نسبت به پدرش تا آخر عمر با او صحبت نکردند (مجلسی، ۱۳۶۲: ج ۷۴، ۶۴).

۲- حرمت عقوق والدین

یکی از گناهان کبیره عقوق والدین است. چنانچه حضرت رسول (ص)، حضرت امیر (ع)، حضرت صادق (ع)، حضرت رضا (ع) و حضرت جواد (ع) در

روایت‌هایی که در شمار کبائر از ایشان رسیده، به کبیره بودنش تصریح فرموده‌اند. حتی پیامبر (ص) در حدیثی آن را بزرگترین گناهان کبیره شمرده است. پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «بزرگترین گناهان شرک به خدا و عقوق والدین است» (نوری، ۱۳۶۶: ج ۱۵، ۱۹۳).

عقوق والدین دارای مراتب مختلف است که پایین‌ترین درجه آن گفتن اُف به آنها و اظهار انزجار است که در کلام امام صادق (ع) از آن به عنوان «ادنی العقوق» یاد شده است.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «که پایین‌ترین درجه عقوق والدین گفتن اُف به آنها است و اگر پایین‌تر از آن چیزی بود خدا از آن نهی می‌کرد» (کلینی، ۱۳۵۰: ج ۲، ۳۴۸). یکی از مراتب عقوق، نگاه‌های تند به پدر و مادر است و فرزند باید متوجه باشد که با مهربانی و عطوفت باید به والدینش نگاه کند و از خشم و غضب حتی در نگاه به آنها خودداری کند.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «یکی از مراتب عقوق والدین این است که فرزند به آنها با تندی و خشم نگاه کند» (کلینی، ۱۳۵۰: ج ۲، ۳۴۹).

۳- پاداش احسان به والدین و عقوبت عقوق آنها

روایت‌های اسلامی ما احسان به والدین را دارای ارزش والائی دانسته و اجر فراوان برای آن قائل است و در مقابل نافرمانی والدین و عقوق نسبت به آنان را به شدت سرزنش کرده و برای آنان که سبب آزار والدین شده و از آنان نافرمانی می‌کنند جریمه سنگین قائل شده و عذاب الهی را به آنان وعده داده است. در کلام معصومین خدمت به پدر و مادر را حتی بر جهاد تا مادامی که جنبه وجوب عینی پیدا نکند رجحان داده‌اند و چنانچه رفتن برای جهاد که واجب عینی نیست موجب ناراحتی آنان شود رفتن جائز نیست. نیکی به والدین اجر و ثوابش بالاتر از حج می‌باشد.

پیامبر اسلام (ص) می‌فرمایند: «هر فرزند صالحی که با محبت خاصی بر چهره پدر و مادرش نگاه کند خداوند برای هر نگاهش یک حج مقبول برای وی مرحمت می‌فرماید» (مجلسی، ۱۳۶۲: ج ۷۴، ۸۰).

احسان پدر و مادر باعث آسانی جان‌کندن می‌گردد. لحظات پایانی عمر که انسان مشغول جان‌دادن است. لحظات بسیار سخت و وحشت‌آوری است که هر انسانی آرزوی تخفیف درد و رنج این دقائق را از خداوند دارد. برخی از اعمال نیک انسان سبب آسانی سکرات مرگ می‌شود از جمله نیکی به والدین و در مقابل برخی از افعال زشت سکرات مرگ را سخت می‌کند از جمله عقوق والدین و روایت‌های معصومین (ع) بر این مطلب دلالت دارد.

امام صادق (ع) می‌فرمایند: «یعنی هرکس دوست دارد که خداوند متعال سکرات و سختی‌های مرگ را بر وی آسان کند صلح رحم نموده و به پدر و مادرش نیکی نماید» (مجلسی، ۱۳۶۲: ج ۷۴، ۸۱).

از ثمرات احسان به والدین آمرزش گناهان فرزند می‌باشد چرا که به تعبیر قرآن حسنات سیئات را از بین می‌برند.^۴ و یکی از مصادیق حسنات نیکی به پدر و مادر می‌باشد. در مقابل عقوق والدین باعث این می‌شود که خداوند گناهان فرد را نیامرزد و حتی عبادات وی مورد قبول خداوند تبارک و تعالی قرار نگیرد.

پیامبر (ص) می‌فرمایند: «به کسی که عاق والدین شده خدا می‌گوید هر کار می‌خواهی بکن اما من تو را نمی‌بخشم» (محمدری شهری، ۱۳۶۷: ج ۱۰، ۷۱۶).

امام صادق (ع) می‌فرمایند: «هر کس با بغض و کینه بر چهره پدر و مادرش نگاه کند، گرچه آنها به او ستم هم کرده باشند، خداوند هیچ نمازی را از وی نمی‌پذیرد» (قمی، ۱۳۶۳: ج ۲، ۶۸۷). نتیجه خوبی به پدر و مادر یا عقوق آنها منحصر در عقوبت‌های آخری نیست بلکه آثار وضعیه دنیوی نیز دارد و خداوند در عقوبت والدین ته‌جیل می‌فرماید. پیامبر می‌فرماید: «دو چیز است که خداوند در این دنیا عقوبتش را می‌دهد یکی ظلم و دیگری نافرمانی والدین» (متقی، ۱۳۷۲: ج ۱۶، ۴۶۴).

نیکی به والدین باعث می‌شود رزق انسان توسعه یافته و عمر او طولانی گردد که این اثر رضایت والدین و دعاهاى آنها راجع به فرزندشان می‌باشد. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «کسیکه خواهان افزایش عمر و گسترش روزی است به پدر و مادرش نیکی کند زیرا نیکی و خدمتگزاری والدین عبادت خدا و پیروی از او می‌باشد» (مجلسی، ۱۳۶۲: ج ۷۴، ۸۵).

امام صادق (ع) می‌فرماید: «از طرفی آزردن والدین و نافرمانی آنان سبب کوتاهی عمر و مبتلا شدن به فقر می‌گردد» (مجلسی، ۱۳۶۲: ج ۱۰۴، ۹۹). یکی دیگر از آثار نیکی به پدر و مادر این است که سبب می‌شود فرزندان انسان نیز به او نیکی کنند. امام علی (ع) می‌فرماید: «کسی که به پدر و مادرش نیکی کند فرزندان او نیکی خواهند کرد» (علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۸۰: ۷۱۷).

۴- وجوب اطاعت والدین

اغلب والدین مصلحت و پیشرفت فرزندان خود را طالبند و فطرت آنها چنین ایجاب می‌کند و بسیار نادرند والدینی که بر ضرر و زیان فرزندانشان گام بردارند روی این اساس و با توجه به تجارب ارزشمندی که پدر و مادر در سالیان متمادی کسب کرده‌اند اسلام به پیروانش دستور می‌دهد که به جز مواردی که پدر و مادر امر به حرام و یا نهی از واجب می‌کنند لازم است فرزند از آنها پیروی و اطاعت کند. این امر باعث می‌شود که فرزند به راه خیر و صلاح هدایت شده و شخص مفیدی برای جامعه باشد و از طرفی با اطاعت والدین رضایت آنها که همان رضای خدا است را بدست آورد و این عمل گرمی خاصی به کانون خانواده می‌بخشد و سبب می‌گردد که مهر و عطف در بین اعضای آن حاکم شده و از آن در جهت تکامل و اعتلای خود استفاده نمایند.

رسول خدا (ص) فرمود: «پدر و مادرتان را در آنچه به شما امر می‌کنند اطاعت کنید اما اطاعت آنها را در مواردی که باعث معصیت خدا می‌شود انجام ندهید» (مجلسی، ۱۳۶۲: ج ۶۸، ۲۸۱).

مرحوم شهید اول به نقل از بحارالانوار می‌فرمایند:

«بخش مهمی از حقوق و امتیازات والدین بدین شرح است:

یک. مسافرت‌های مباح و مستحبی فرزندان بدون اجازه آنها جایز نیست.

دو. پیروی از آنان در تمام امور واجب است. حتی در موارد شبهه و مشکوک زیرا احتیاط در این موارد مستحب است ولی اطاعت از والدین واجب.

سه. اگر والدین در وقت فضیلت نماز از فرزندان خود کاری را بخواهند باید نماز را به تأخیر انداخته و از آنان پیروی نمایند. زیرا نماز خواندن در اول وقت مستحب بوده ولی اطاعت والدین واجب است و بر امر مستحبی مقدم می‌باشد.

چهار. والدین حق دارند فرزند خود را از جهاد با دشمن منع کنند مگر اینکه امام (ع) شخصاً او را به جهاد مأمور سازد و یا اینکه جبهه اسلام در برابر هجوم دشمن ضعیف باشد.

پنج. اگر شرکت فرزندان در نماز جماعت با آن همه ثوابی که دارد موجب ناراحتی والدین گردد نباید نماز را به جماعت بخوانند.

شش. در واجبات کفائی چنانچه دیگران آنها را انجام دهند، والدین حق دارند فرزند خود را از شرکت در انجام آنها باز دارند.

هفت. چنانچه والدین در نمازهای مستحبی فرزند خود را صدا کنند، فرزند باید نماز خود را بشکند و به آنان جواب دهد.

هشت. اجتناب کردن از هرگونه آزار و اذیت به آنان ولو اینکه بسیار ناچیز باشد و جلوگیری از آزار دیگران.

نه. روزه‌های مستحبی فرزندان بدون اجازه والدین جایز نیست.

ده. نذر و عهد و قسم اولاد، بدون اجازه والدین صحیح نیست» (مجلسی، ۱۳۶۲: ج ۷۴، ۳۲).

پدر و مادر یا هر دو آنها با هم هرگز حق ندارند پسر خود را در امور ازدواج مجبور نمایند و نظر خویش را بر وی تحمیل نمایند اگرچه از نظر اخلاقی کلیه فرزندان وظیفه دارند از تجربه‌های پدر و مادر استفاده نمایند. زیرا علاوه بر حقوق والدینی از جهت تجربه و عقل و اندیشه نیز بالاتر بوده و دین اسلام هم ما را به «مشورت در امور» دستور داده است. در مورد ازدواج دختران، مادران هرگز ولایتی نداشته و هیچگونه حق اجبار و مداخله ندارند و اما از نظر اخلاقی می‌توانند فرزندان خود را راهنمایی نمایند. بدون اینکه جنبه الزام داشته باشد. و اما پدران نیز در مورد دخترانی که یکبار شوهر کرده و به اصطلاح «ثیبه» می‌باشند نمی‌توانند در ازدواج‌های بعدی آنان دخالت الزامی بکنند و اختیار و آزادی فرزندان را در انتخاب همسر مورد نظر سلب کنند. اما اگر دخترها تا به حال ازدواج نکرده و «بکر» بوده باشند، در مورد دخالت پدرها در ازدواج آنان، از نظر روایت‌های و فتواها اختلاف نظر وجود دارد.

۵- تقدم مادر در احسان

و ما انسان را به احسان در حق پدر و مادرش سفارش کردیم، مادرش با رنج و زحمت به او باردار شد و با دشواری او را برز مین نهاد و بارداری و از شیرگرفتنش سی ماه طول کشید.^۵

مادر زحمات طاقت فرسای دوران بارداری و درد زایمان را تحمل می‌کند. در دوران بارداری و شیرخوارگی از شیره جانش به فرزند دلبدش می‌نوشاند اوست که شبها در کنار بستر کودک می‌نشیند و مراقبت از او می‌نماید. علاقه و عاطفه مادر نسبت به فرزند آنچنان زیاد است که ضرب‌المثل همه جهانیان می‌باشد. این‌ها همه نتیجه عواطف و احساسات است که زودتر رنجیده خاطر می‌گردد لذا در روایت‌های معصومین سی‌یابیم که این بزرگواران تأکید فراوان بر احترام بیشتر به مادر دارند و به

فرزندان دستور می‌دهند تا قلب پاک این موجود عزیزی که تمام وجودش را در طبق اخلاص قرار داده تا فرزندش رشد کند، نیازارند و هرچه در توان دارند در خدمت به او دریغ نورزند.

۶- احسان به والدین پس از مرگ آنان

فرقی در حرمت عقود و وجوب نیکی به والدین بین حال حیات و ممات آنها نیست یعنی با مرگ حق آنان ساقط نمی‌شود و هرگاه پس از مرگ فراموش گردند و نیکی به ایشان ترک شود، عاق والدین محسوب می‌شود. هر چند در حال حیات اداء حق ایشان شده و نیکی به آنان ترک نگردیده باشد. حق والدین پس از مرگ آن است که اولاد واجباتی را که از آنان در حال حیات فوت شده از قبیل حج، نماز، روزه و همچنین دیون آنان را اداء نمایند. ثانیاً: به آنچه وصیت نموده‌اند عمل کنند. ثالثاً: آنان را تا آخر عمر نباید فراموش کنند بلکه باید برای ایشان از خدا طلب آمرزش و رحمت نمایند و به نیابت آنان صدقه دهند و اعمال مستحبه را به قصد ایشان انجام دهند و بالجمله آنچه می‌توانند از هدایا و تحف معنوی را برای آنان بفرستند.

امام صادق (ع) فرمود: مردی از شما را چه مانع می‌شود که به پدر و مادرش نیکی کند، زنده باشد یا مرده که از جانب آنها نماز بخواند و صدقه دهد و حج گذارد و روزه بگیرد تا آنچه کرده ثوابش از آنها باشد و مانند آن هم برای خود او قرار داده شود تا اینکه خدای عزوجل بوسیله احسان و صله او خیر فراوانی نصیبش کند (کلینی، ۱۳۵۰: ج ۲، ۱۵۹).

۷- وظایف والدین قبل از تولد فرزند

والدین حتی قبل از انعقاد نطفه دارای وظایفی نسبت به فرزند خویش می‌باشند. پاکی فکر و اندیشه والدین و تقوای آنان در فرزند مؤثر است. غذا و حلال بودن آن نیز نقش بسزایی در کودک دارد. لذا والدین موظفند با تقوای خویش در تولید نسلی صالح سهیم باشند. در هنگام انعقاد نطفه نیز والدین موظفند بسیاری از مسائل را مراعات کنند.

در زمان و مکان مناسب و با طهارت و آرامش خاطر و سلامتی جسم و جان این کار را انجام دهند. در دوران بارداری نیز عوامل بسیاری در جنین مؤثرند.

جنین در تکوّن و تطوّر خود، تنها تحت تأثیر عوامل ارثی نیست. چنانچه در علم جنین‌شناسی و علم وراثت و روان‌شناسی ثابت شده است که اثر عوامل محیط جنین، ناچیز نیست و نمی‌شود آن را از نظر دور داشت. زیرا درجه رشد و سرعت نمو جنین، تحت تأثیر شرایط محیطی جنین از لحاظ جسمانی و روانی مادر است. چنانکه بسیاری از ناهنجاری‌های عقلانی و روانی و بدنی نتیجه شرایط محیطی جنین است. «نخستین عامل محیطی برای جنین، غذای مادر است. چون نیاز جنین به غذا در کمیت و کیفیت، هر چه به مرحله تولد نزدیک می‌گردد رو به افزایش می‌گذارد و لذا مادرانی که در آینده دچار کمبود از لحاظ غذایی هستند غالباً کودکانی را که دارای نقص جسمی و عقلی و اضطراب‌های شدید روانی می‌باشند به دنیا می‌آورند» (حجتی، ۱۳۵۸: ج ۱، ۱۴۶). روایت‌های زیادی از معصومین (ع) در مورد تأثیر غذای مادر در دوران بارداری بر روی جنین نقل شده است که به چند نمونه اشاره می‌شود.

روزی امام صادق (ع) پسر زیبایی را مشاهده نمود و فرمودند: لابد پدر این پسر در شب انعقاد نطفه او از میوه «به» استفاده نموده است. آنگاه امام علیه السلام دستور دادند که این میوه را به زنان باردار خود بخورانید تا بچه‌های شما زیبا بدنیا بیایند (طبرسی، ۱۳۵۱: ۱۷۲).

پزشکان تأثیرها و انفعال‌های زن آبستن را در جنین موثر می‌دانند. خوشحالی، ترس، اندوه، حب و بغض و نظایر آنها در زن آبستن اثر محسوسی در جنین می‌گذارد و لذا لازم است مسئولان امر به مادرهای حامله اهتمام کافی داشته باشند و علاوه بر جنبه بهداشتی، از نظر روانی و اجتماعی نیز مورد عنایت باشند و مردان هم باید موجبات نشاط و رضایت خاطر و آرامش آنان را فراهم نمایند تا جنین در شرایط محیطی مناسب رشد و نمو خود را آغاز کند. لذا پیامبر اسلام (ص) مبدأ سعادت و شقاوت بشر را در رحم مادر معرفی کرده و فرموده است:

«بدبخت کسی است که در شکم مادر بدبخت شده است و خوشبخت کسی است که در شکم مادر خوشبخت شده است» (حجتی، ۱۳۵۸: ج ۱، ۱۴۷).

۸- وظایف والدین هنگام تولد و دوران شیرخوارگی

از وظایف والدین پس از تولد کودک آن است که نام زیبا و خوشایندی برای او انتخاب نمایند. نامی که باعث افتخار و سرور او باشد. نه سبب تحقیر و سرافکنندگی وی و نامی که نشان دهنده عقیده و مرام مذهبی آنان باشد. در روایت‌های اسلامی نسبت به این امر تأکید بسیار شده است که تنها به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

امام علی (ع) می‌فرماید: «حق فرزند بر پدرش این است که نام نیکو برای او انتخاب کرده و در تربیت و تعلیم قرآن نسبت به او کوشا باشد» (علی بن ابی‌طالب (ع)، ۱۳۸۰: ۱۲۷۴). اولیاء اسلام به پیروان خود توصیه کردند که فرزندان خود را به اسامی پیشوایان بزرگ الهی نامگذاری نمایند.

پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «اگر کسی چهار فرزند داشته باشد و بر هیچکدام نام مرا نهد به من جفا کرده است» (کلینی، بی‌تا: ج ۹، ۱۹).

از وظایف دیگر والدین پس از تولد نوزاد عبارتست از:
یک. میهمانی دادن.

دو. غسل نوزاد که فقهاء بر استحباب آن تأکید دارند.

سه. گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد از مستحبات است (حرعاملی، ۱۳۵۲: ج ۱۵، ۱۳۶).

چهار. باز کردن کام نوزاد با تربت امام حسین (ع) (کلینی، بی‌تا: ج ۶، ۲۴).

پنج. تراشیدن موی سر در روز هفتم تولد (حرعاملی، ۱۳۶۲: ج ۱۵، ۱۴۲).

شش. صدقه دادن هم وزن موی او (حرعاملی، ۱۳۶۲: ج ۱۵، ۱۴۲).

هفت. ختنه کردن وی (ابن شعبه، ۱۳۵۳: ۸۲).

هشت. عقیقه و قربانی برای او (حرعاملی، ۱۳۶۲: ج ۱۵، ۱۴۴).

دوران شیرخوارگی تأثیر فراوانی در جسم و جان فرزند دارد. والدین موظفند مراعات شرایط این دوره را بنمایند. در صورت امکان لازم است فرزند از شیر مادر خویش استفاده نماید چرا که هیچ نوع غذا و شیری نمی‌تواند جای شیر مادر را بگیرد. امام علی (ع) می‌فرماید: «هیچ شیری برای طفل با برکت‌تر و مناسب‌تر از شیر مادرش نمی‌باشد» (مجلسی، ۱۳۵۷: ج ۸، ۵۵۶).

بدون تردید طفل زمانی از شیر خوردن لذت می‌برد که با عواطف و محبت مادرانه همراه باشد. بنابراین در خلال شیر دادن به کودک، مادر باید آسودگی خاطر و آرامش کافی داشته باشد و از هر گونه ناراحتی و فشار و نگرانی و غصه به دور باشد. همچنین مادر باید تا جایی که امکان دارد خود را با کار زیاد خسته نکند و تا حد ممکن در کمال آرامش و شادابی کودک را تغذیه نماید. در اثر خستگی و اختلال‌های جسمی و روانی از میزان ترشح شیر مادر کاسته می‌شود زیرا در اثر خستگی جسمی و یا کار سنگین جریان خون بیش از همه بسوی عضو فعال و خسته متوجه شده و طبعاً از شدت جریان خون به غده پستان کاسته می‌گردد. نکته بسیار با اهمیت این است که کودک با خوردن شیر از پستان مادر و پرورش در آغوش گرم مادر، از عواطف و احساسات پاک او اشباع می‌شود. تأمین بودن از محبت در سنین کودکی نقش بزرگی در دوران نوجوانی و جوانی کودک خواهد داشت. حتی امروزه به اثبات رسیده که عدم اشباع عواطف کودک در سنین کودکی، موجب ناهنجاری‌های روانی در دوران جوانی و نوجوانی و بزرگسالی می‌شود. شخصی که در دوران کودکی از عواطف صحیح برخوردار نبوده، در بزرگی فردی خشن و نسبت به انسان‌ها بی‌تفاوت و از عواطف انسانی بی‌بهره خواهد بود. از نظر اسلام مسئله شیر دادن به بچه آن اندازه مورد توجه قرار گرفته که حتی در انتخاب دایه شرایطی ذکر شده است که نشانه حساسیت امر می‌باشد.

امام علی (ع) می‌فرماید: «به همان اندازه‌های که در انتخاب همسر دقت می‌کنید، در انتخاب و تعیین زن شیرده به فرزندان نیز توجه نمایید زیرا شیر طبیعت‌ها را عوض می‌کند» (حرعاملی، ۱۳۶۲: ج ۱۵، ۱۸۸).

۹- تعلیم و تربیت فرزند

وراثت عامل مهمی در تکوین جسم و روح هر انسانی است. حالات نفسانی و ملکات خوب پدر و مادر بر روی فرزندان اثر می‌گذارد. پاکی و ناپاکی، شجاعت و ترس، سخاوت و بخل و سایر صفات هر کدام زمینه مساعدی برای خوبی و بدی در فرزند ایجاد می‌کند ولی این صفات قضا و قدر حتمی و سرنوشت قطعی نیست و می‌توان از راه تربیت خوب، زمینه‌های بد را اصلاح کرد و بوسیله تربیت‌های بد، زمینه‌های خوب و مساعد را از بین برد. بنابراین والدین وظیفه دارند تمام تلاش خویش را در جهت تعلیم و تربیت فرزند خود بکار برند تا از وی فردی صالح و مفید به حال جامعه بسازند و توجه کامل به امور ذیل مبذول دارند.

۱۰- رسیدگی به امور جسمانی فرزند

رشد جسمانی کودک با فراهم آوردن وسایل مادی امکان‌پذیر می‌باشد که خواسته‌های بدنی او را اشباع نماید. این رشد و نمو با غذا و بهداشت کافی، آب، هوا، مسکن، خواب، استراحت، بازی و امثال آن بدست می‌آید. هر کودکی بر حسب اختلاف سن یا حالات صحت و بیماری، حاجات مختلفی دارد. نوع و مقدار غذا و خوابی که کودک در سال‌های اول زندگی بدان نیاز دارد با سال‌های بعد متفاوت است. والدین موظفند نیازهای جسمانی فرزند خویش را از قبیل غذا، مسکن، لباس، بهداشت و ... مادامیکه در دوران کودکی بسر می‌برد و توانایی کار و کوشش را ندارد تأمین نمایند. در دوران جوانی و بزرگسالی نیز، چنانچه والدین متمکن و ثروتمند باشند و فرزند در فقر بسر برد بر آنان واجب است به اندازه امکاناتشان احتیاج وی را برطرف نمایند.

نفقة شخص بر پدر و مادرش و اجداد پدری و مادری او واجب می‌باشد و همچنین بر فرزندان و نوه‌هایش چه مذکر باشند و چه مؤنث و چه نوه‌هایش دختری باشند و چه پسری (شهید ثانی، ۱۳۶۲: ج ۵، ۴۷۳). در تعالیم اسلامی آموزش و پرورش و تربیت بدنی فرزند از اهمیت بسزایی برخوردار است. تربیت بدنی به آمادگی

جسمانی فرد توجه داشته و می‌کوشد فرد را در بهره‌برداری مطلوب از نیروهای بدنی خود راهنمایی و یاری کند و نیز فرصت‌هایی فراهم آورد که کودکان به فعالیت‌های بدنی لازم و مطلوب پرداخته و بین فعالیت‌های ذهنی خود تعادل برقرار نمایند. از این رو اسلام نیز مسئله ورزش و تقویت جسم را مورد توجه قرار داده و از مسلمانان می‌خواهد که با جدیت تمام، خود را از نظر جسمی رشد دهند.

ورزش‌هایی که در اسلام پیشنهاد شده علاوه بر فایده تقویت روحی و بدنی متضمن فوائد دیگر و هدف‌های عالی برای حوادث و پیشامدهای زندگی از قبیل جنگ یا غرق شدن و امثال آن می‌باشد. سوارکاری و تیراندازی در اسلام یکی از ورزش‌های مهمی است که به خاطر منافع و مصالح عالیه مملکت، مطابق جنگ آن روز به مسلمین پیشنهاد شده است و این ورزش در تمام کتب فقهی، عنوان و موقعیتی را برای خود کسب کرده است. امیرالمومنین علی (ع) به پدران می‌گوید: «به فرزندان خود شناوری و تیراندازی بیاموزید» (کلینی، ۱۳۵۰: ج ۶، ۴۷).

ابن سینا می‌گوید تا سن چهارده سالگی نباید تمام اوقات طفل صرف تحصیل شود، بلکه باید قسمتی نیز صرف ورزش گردد. به عقیده ابن سینا ورزش‌های کودک می‌تواند راهپیمایی، پرش، توپ بازی، طناب بازی، دو، کشتی، اسب سواری، شمشیر بازی و... باشد (عطاران، ۱۳۶۸: ۱۳۰).

بازی در زندگی کودک نقش مهمی دارد. او نه تنها از بازی لذت می‌برد، بلکه در ضمن بازی فرصت‌های خوبی برای بیان احساسات خود پیدا می‌کند. بازی در رشد عاطفی کودک مؤثر است. یعنی علاوه بر اینکه ضمن بازی طرز ابراز عواطف مختلف را فرا می‌گیرد، بتدریج بهتر می‌تواند عواطف خویش را کنترل کند. در روایت‌های اسلامی توجه مخصوصی به بازی کودکان شده است. امام صادق (ع) می‌فرماید: فرزندان را رها کن تا هفت سالگی به بازی مشغول باشد (کلینی، ۱۳۵۰: ج ۶، ۴۶).

پیامبر اسلام پدران و مربیان را گوشزد می‌نماید که هرگاه در کودکان خود جنبش‌های فوق‌العاده و باصطلاح شیطنت، مشاهده کردند از او مأیوس و ناامید نگردند. زیرا ممکن است این حالت، یعنی شدت علاقه به بازی و فعالیت فوق‌العاده او در خردسالی، منجر به اخلاق فاضله و بهنگام بزرگسالی شود.

شیطنت و لجاجت کودک بهنگام خردسالی نشانه زیادی عقل او در بزرگسالی است (حجتی، ۱۳۵۸: ج ۱، ۲۵۱).

در تعالیم اسلامی به والدین سفارش شده که با دنیای کودک هماهنگی کرده و در بازی‌های کودکانه او شرکت نمایند. پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «کسی که کودکی دارد باید با او رفتار کودکانه داشته باشد» (حرعاملی، ۱۳۶۲: ج ۱۵، ۲۰۳).

۱۱- تعدیل غریزه جنسی فرزند

غریزه جنسی یکی از مهمترین فطریات کودک است. این غریزه در پرتو یک سلسله قوانین و مقررات دقیق طبیعی راه رشد و تکامل خود را می‌پیماید و تا رسیدن به ایام بلوغ، منازلی را طبق برنامه فطرت قدم بقدم طی می‌کند. برای اینکه کودکان دچار انحراف جنسی نشوند و برای اینکه با تمایل عالی عفت، بار بیابند لازم است پدران و مادران با برنامه تربیتی صحیحی که هم‌آهنگ برنامه فطرت باشد، کودکان را از نظر غریزه جنسی تحت مراقبت قرار دهند و آنان را به راه صحیح و سعادتبخش رهبری نمایند. اسلام به والدین توصیه می‌کند از زمانی که فرزند قدرت تمیز مسائل جنسی را پیدا می‌کند وی را از عوامل مهیج و تحریک کننده دور نگه دارند. پیامبر اسلام (ص) در این زمینه توصیه می‌کنند که: «موقعی که فرزندان شما هفت ساله شدند بستر خوابشان را از یکدیگر جدا کنید» (مجلسی، ۱۳۶۲: ج ۱۰۴، ۹۶). کودکانی که در محیط بی‌عفتی و شرایط مهیج شهوت تربیت می‌شوند پس از بلوغ به عوارض مختلف روحی و انحراف‌های اخلاقی و عقده‌های روانی دچار خواهند شد.

۱۲- تعلیم دین و اخلاق به فرزند

دانشمندان تعلیم و تربیت اسلامی دو نظر اساسی درباره امکان تغییر اخلاق اظهار نموده‌اند، که یکی از آنها، نظریه اخلاق و استعداد‌های پنهان است. و دیگری نظریه صفحه پاکیزه از نقش ذهن انسانی است.

۱۲-۱- نظریه اخلاق‌ها و استعداد‌های مخفی و پنهان

این نظریه می‌گوید: که کودک انسانی دارای سجایای اخلاقی و صفاتی بالقوه است که قابلیت رشد و به فعلیت رساندن آنها را دارا می‌باشد.

این امر در صورتی است که شرایط تربیت فراهم باشد. صفات مخفی را در عقل و نهاد کودک به بذری تشبیه کرده‌اند که در زمین نهان است. استعدادی که در مغز انسان است و بذری که در دل زمین نهفته است زمانی رشد و نمو پیدا می‌کند که محیط مناسبی برای آنها فراهم شود.

۱۲-۲- نظریه صفحه پاکیزه از نقش

«مربیان اسلامی این نظریه را این‌گونه تفسیر نموده‌اند که کودک دارای هیچ نقشی نیست و بنابراین قابلیت دارد که هر نقشی را پذیرا باشد. وی دارای هیچ رأی و تصمیمی نیست که او را به چیزی و یا از چیزی متمایل سازد. بنابراین اگر کودک را از هنگام خردسالی به صفات و به رفتارهای خوب عادت دهند، به همان صفات پرورش می‌یابد و به آنها خو می‌گیرد. اما اگر کودک را به حال خود واگذارند و در تربیت او اهمال شود. به اخلاق بد و عادات ناپسند تا آنجا خو می‌گیرد که آن عادات به صورت ملکه راسخی در می‌آید که از میان بردن آن دشوار می‌گردد» (حجتی، ۱۳۵۸: ج ۱، ۲۶۱).

حضرت علی (ع) در نامه معروف خود به فرزندشان امام حسین (ع) می‌فرماید: «دل جوان همچون زمین خالی است، هر تخم که در آن افشاند شود بپذیرد. پس به ادب نمودن تو پرداختن قبل از آنکه دلت سخت گردد و عقل و خردت گرفتار شود» (علی بن ابی‌طالب (ع)، ۱۳۸۰: ۹۱۲).

بسیاری از دانشمندان معتقدند که کودک ذاتاً قابل خیر و شر آفریده شده است و پدر و مادرند که او را به یکی از این دو امر متمایل می‌سازند. دلیل این مطلب گفتار پیامبر اسلام (ص) است که فرمود: «هر فرزندی بر اساس فطرت اسلامی زاده می‌شود. پدر و مادرند که او را با یهودیت و نصرانیت و مجوسیت سوق می‌دهند و از صراط مستقیم منحرف می‌سازند» (حجتی، ۱۳۵۸: ج ۱، ۲۶۲).

همزمان با رشد و تکامل جسم کودک، باید روان او نیز راه تعالی و رشد را بیاماید. همان‌طور که سلامت جسم کودک مورد توجه است سلامت عواطف و روحیات او نیز باید مورد کمال توجه باشد. کسانی که در کودکی با روش صحیح تربیت نشده‌اند تغییر خلق و خوی بد آنها در بزرگی بسیار مشکل است. خوشبخت‌ترین افراد کسانی هستند که از اول با پرورش صحیح و سالم بار آمده‌اند و صفات عالیه ملکه آنها شده و در بزرگی بدون زحمت و خودسازی آنها را بکار می‌بندند. پرورش ایمان و اخلاق پسندیده در روان کودک و تعلیم فرایض دینی از جمله حقوق فرزندان است. در این باره روایت‌های بسیاری رسیده است. حضرت امام سجاد (ع) در ضمن حقوق فرزند فرموده است: «پدر در حکومتی که به فرزند دارد مسئول است که طفل را مؤدب و با اخلاق پسندیده پرورش دهد و او را به خداوند بزرگ راهنمایی کند. آشنایی با علوم اسلامی از قبیل احکام، عقاید و علوم دیگر و یادگیری قرآن و کتاب از جمله حقوق دیگر فرزند است که لازم است والدین به آن قیام کنند» (ابن شعبه، ۱۳۵۳: ۱۸۹).

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «حق فرزند بر والدین این است که نام و ادب او را نیکو نهند و به او قرآن بیاموزند» (عی ابن ابی طالب (ع)، ۱۳۸۰: ۱۲۷۴).

یکی از بزرگترین وظایف پدر و مادر در تربیت فرزند پرورش فطرت راستگویی کودک است. پدر و مادر موظفند در محیط خانواده طوری رفتار نمایند که اطفال به راستی و راستگویی عادت کنند و به راه دروغگویی که انحراف از صراط مستقیم فطرت است گرایش پیدا نکنند. و این امر از پرورش بسیاری از صفات در کودکان، دشوارتر است. اولین راه مبارزه با ناخوشی دروغ، شناختن ریشه مرض است. بدون تردید یک

حالت روانی در باطن دروغگو وجود دارد که باعث دروغ گفتن او می‌شود و تا زمانی که آن علت برطرف نشود، ناخوشی دروغ علاج نخواهد شد. ترس و ضعف، عجز، احساس حقارت، عقده حقارت، یا بعضی از حالات نفسانی نظیر اینها می‌تواند بشر را از راه مستقیم فطرت راستگویی منحرف کند و به دروغگویی وادارش نماید. پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «دروغگو دروغ نمی‌گوید مگر به سبب حقارتی که در نفس خود احساس می‌کند» (فلسفی، ۱۳۶۳: ج ۲، ۴۱). یکی از علل دروغگویی فرزندان، دادن تکالیف سنگین بر آنان و تحمیل نمودن و توقع بیش از طاقت از آنان داشتن است. رسول اکرم (ص) فرمود: «خدای رحمت کند کسی را که در نیکی و نیکوکاری به فرزند خودش کمک کند». راوی حدیث پرسید: چگونه فرزند خود را در نیکی یاری نماید؟ حضرت فرمودند: آنچه را که کودک در قوه و قدرت داشته و انجام داده است از او قبول کند و آنچه انجام آن برای کودک سنگین و طاقت فرسا است از او نخواهد و او را به گناه و طغیان وادار نکند و به او دروغ نگوید و در برابر او مرتکب اعمال احمقانه نشود» (کلینی، ۱۳۵۰: ج ۶، ۵۰).

یکی دیگر از عوامل روانی که باعث دروغ گفتن کودک است احساس تحقیر است. به موجب تعالیم مذهبی و علمی، پدران و مادران موظفند به شخصیت کودکان احترام بگذارند. یکی از مهمترین عوامل پرورش فطرت راستگویی در کودکان، محیط زندگی خانواده است. جائیکه پدران و مادران، راستگو هستند و هرگز پیرامون دروغ و خلاف حقیقت نمی‌گردند، طفل طبعاً به راه راستی می‌رود و راستگو بار می‌آید و موانعی را که از نظر روانی در سر راه او پیدا می‌شود به آسانی می‌توان برطرف کرد. یکی از صفات پسندیده که در ساختمان آدمی ریشه فطری دارد وفا به عهد است. طفل از موقعی که معنی عهد و پیمان را درک می‌کند لزوم وفا به آن را نیز فطرتاً می‌فهمد. مربی لایق باید از این الهام طبیعی استفاده کند و طفل را با وفا به عهد تربیت نماید و این درک فطری را طوری در او پرورش دهد که از دوران کودکی وفا به عهد را یکی از وظایف خود بشناسد و خلف وعده را قبیح تلقی نماید.

پیامبر (ص) می‌فرماید: «اگر کسی از شما به فرزندش وعده‌ای داد پس بدان عمل نماید» (نوری، ۱۳۶۶: ج ۱۵، ۱۷۰).

«پدر و مادر پیمان‌شکن با رفتار نادرست خود، به کودک درس نقض عهد می‌دهند و عملاً به او می‌آموزند که آدمی می‌تواند دروغ بگوید، مردم را بفریبد، صریحاً عهد کند و در مقام عمل آن را نقض کند» (فلسفی، ۱۳۶۳: ج ۲، ۲۷).

۱۳- احترام به فرزند

یکی از سرمایه‌های فطری و ذخائر طبیعی که در باطن هر انسانی به قضاء حکیمانه الهی مستقر شده است غریزه حبّ ذات است. هر انسانی قبل از هر چیز و هر کس به خود علاقه دارد و بالفطره عاشق و شیفته خویش است و هیچ چیز در نظر آدمی به قدر خودش عزیز و محبوب نیست. حبّ ذات یکی از مهمترین و اساسی‌ترین پایه‌های ثابت تربیت کودک است. مربی لایق می‌تواند از این سرمایه فطری استفاده کند و در پرتو غریزه حبّ ذات بسیاری از سجایای اخلاقی و صفات پسندیده را در کودک پرورش دهد. غریزه حبّ ذات در مزاج کودک، نیروی مهمی است که اگر عاقلانه و با برنامه صحیح رهبری شود و مورد استفاده قرار گیرد منشاء خوشبختی و سعادت است، و اگر درست رهبری نشود بدبختی‌های بزرگی را به بار می‌آورد. یکی از طرق ارضاء غریزه حبّ ذات، تکریم کودکان و توجه به شخصیت آنها است. طفلی که بقدر کافی در خانواده احترام می‌شود و غریزه حبّ ذاتش به اندازه صحیح ارضاء گردد روحیه‌ای طبیعی و روانی معتدل دارد. از چنین کودکی می‌توان توقع اخلاق پسندیده و رفتار عادلانه داشت. در غیر اینصورت چنین کودکی در معرض انحراف‌های گوناگونی است و در راه زندگی با خطراتی مواجه می‌شود. احترام به کودک و حسن معاشرت پدر و مادر با وی، یکی از اساسی‌ترین عوامل ایجاد شخصیت در کودک است. رهبر گرامی اسلام این برنامه بزرگ را در یک عبارت بسیار کوتاه بیان فرموده است و صریحاً اجرای آن را به پیروان خود دستور داده است.

رسول اکرم (ص) فرمود: «فرزندانتان را مورد احترام قرار داده و در تربیت و حسن ادب آنها بکوشید» (مجلسی، ۱۳۶۲: ج ۱۰۴، ۹۵).

برای اینکه پدران و مادران، دین تربیتی خود را به کودک، ارائه نمایند و آنان را طوری پرورش دهند که بدون فشار و تهدید، به خوبی‌ها گرایش پیدا کنند و از بدی‌ها اجتناب نمایند. لازم است در آنان ایجاد شخصیت کنند و به آنها احترام بگذارند. باید آنها را طوری تربیت کنند که کودکان باور نمایند. که عضو مستقل خانواده و مورد تکریم و احترام اعضای خانواده هستند. «زمانیکه کودک افکار خود را با شما در میان می‌گذارد، مسخره‌اش نکنید و هر ساعت و هر دقیقه نگویید آن کار را بکن و آن کار را نکن. دیگر دلیلی برای نافرمانی او باقی نمی‌ماند و بندرت اتفاق می‌افتد که از دستورات شما سرپیچی کند. بوسیله همین نظم است که به دیگران احترام می‌گذارد و خود را در نظر مردم محترم می‌سازد و با همه کس روابط نیکو دارد. زیرا حق هر کس را می‌دهد برای اینکه بتواند حق خود را نیز طلب نماید» (فلسفی، ۱۳۶۳: ج ۲، ۹۰).

۱۴- محبت فرزند

یکی از بهترین وسایل پرورش صحیح عواطف کودکان، نوازش کودک و ابراز مهر و محبت نسبت به اوست. همان‌طور که کودک فطرتاً به غذا، آب، هوا و خواب احتیاج دارد به محبت و نوازش نیز محتاج است. محبت مطبوع‌ترین غذای روان کودک است، کودک از بوسیدن، بوییدن، در آغوش گرفتن، نوازش کردن، محبت نمودن، مسرور می‌گردد و لذت می‌برد. طفلی که از دوران اول کودکی بقدر کافی از مهر پدر و مادر بهره برده و از چشمه گوارای محبت سیراب شده است روحی شاد و روانی با نشاط دارد. او در باطن خود احساس محرومیت نمی‌کند و گرفتار عقده‌های درونی نیست. در دل وی گل‌های فضائل اخلاق به آسانی شگفته می‌شود و اگر در زندگی با مواعی مواجه نگردد بشری مهربان و با فضیلت، انسان دوست و خدمتگزار خواهد شد.

در روایت‌های اسلامی محبت به کودک، به صورت‌های مختلف توصیه شده و اولیاء اسلام پیروان خود را در این باره سفارش‌های موکد نموده‌اند.

امام صادق (ع) فرمودند: «مردی که نسبت به فرزند خود محبت بسیار دارد مشمول رحمت و عنایت مخصوص خداوند بزرگ است» (طبرسی، ۱۳۵۱: ۲۱۹).

امام حسین (ع) می‌فرمایند که پیامبر (ص) فرمودند: «آنکس که فرزند خود را ببوسد خداوند حسن‌های را در نامه عمل او ثبت خواهد کرد و آنکس که فرزند خود را شاد کند خداوند او را در قیامت مسرور می‌نماید» (کلینی، ۱۳۵۰: ج ۶، ۴۹).

کودکانی که از محبت خانوادگی و از مهر و نوازش پدر و مادر محروم مانده‌اند ضمیری افسرده و روحی ناشاد دارند. روان‌م‌ایوس و ناامید آنها همواره مستعد انحراف و تجاوز است. «این انسانها غالباً در بزرگی با خاطره‌های تلخ و دردناک از کودکی و از پدر و مادر خویش، مردمی حساس، زودرنج، مأیوس، ناسازگار، ناراضی، پرتوقع، بدبین، آماده برای قهر و طغیان و خودکشی، ارتکاب بزه و بیماری‌های روان‌تنی و عصبی می‌شوند» (فلسفی، ۱۳۶۳: ج ۲، ۱۶۳).

همچنین آیین مقدس اسلام از سوی دیگر در برنامه تربیت کودک، اولیاء اطفال را از زیاده‌روی در اعمال محبت برحذر داشته است. آنانکه در مهر و نوازش فرزندان، افراط می‌کنند و با روش ناپسند خویش آنان را به بیماری خودپسندی و از خود رضایی مبتلا می‌نمایند مورد بدبینی پیشوایان اسلام هستند.

امام باقر (ع) می‌فرمایند: «بدترین پدران کسانی هستند که در نیکی و محبت نسبت به فرزندان از حد تجاوز کنند و به زیاده‌روی و افراط بگرایند و بدترین فرزندان کسانی هستند که در اثر تقصیر و کوتاهی در انجام وظائف پدر را از خود ناراضی نمایند» (فلسفی، ۱۳۶۳: ج ۲، ۲۴۷).

در نتیجه والدین موظفند در ابراز محبت نسبت به فرزندان عدالت را رعایت کرده و از تبعیض در میان اولاد خویش جداً خودداری نمایند. پدری با ۲ فرزند خود به محضر رسول اکرم (ص) شرفیاب شد. یکی از فرزندان را بوسید و به فرزند دیگر اعتنا

نکرد. پیغمبر که این رفتار نادرست را مشاهده کرد به او فرمود: چرا با فرزندان خود به طور متساوی رفتار نمی‌کنی؟ (طبرسی، ۱۳۵۱: ۲۲۰).

بی‌عدالتی در اظهار محبت نسبت به فرزندان باعث ایجاد عقده حقارت و حسادت میان آنها می‌شود. البته با توجه به اینکه عواطف و احساسات دختر نسبت به پسر بیشتر می‌باشد. گاهی لازم است والدین دختران را مقدم دارند. پیامبر می‌فرماید: هرگاه تحف‌های را به خانه آوردید اول از دخترها شروع کنید (قمی، ۱۳۶۳: ج ۲، ۶۸۵).

نتیجه‌گیری

خانواده سرچشمه تربیت اطفال و اصلاح کودکان است. تاثیرات تربیتی والدین در گفتار و کردار کودک برای تمام عمر محفوظ است. دامن والدین و مخصوصاً آغوش مادر نخستین و مهمترین کلاس درس است و کودک از آنجا به شدت تأثیر می‌پذیرد. محیط خانواده فضای مساعدی برای رشد و پرورش استعدادهاى کودک می‌باشد. تأثیر خانه و خانواده در فرد نامحدود است و می‌توان گفت که پایه‌های تربیتی فرد در خانه نهاده می‌شود. کودک در خانه متولد می‌شود و عادت را از خانواده و پدر و مادر کسب می‌کند و آن دو هستند که به تربیت کودک قیام می‌کنند تا به مرحله رشد برسد و خانواده گاهی از پدر و مادر به اضافه برادران و خواهران و احیاناً دیگران تشکیل می‌شود. خانواده یک محیط طبیعی است که تربیت کودک را به عهده گرفته است، چون گزینه پدری و مادری والدین را وادار می‌کند که مخصوصاً در سال‌های اول مراقب کودک باشند. سال‌های اول کودکی از نظر ایجاد تشکیلات جسمانی و عقلانی و وجدانی و اخلاقی، بسیار اهمیت دارد. کودک در این مرحله تحت تأثیر هر امری است که او را احاطه کرده است و قابلیت انعطاف او در این مرحله بیش از مراحل دیگر می‌باشد. به همین علت در اسلام سفارش شده که کارهای فرماندهی و وزارت و بالاخره پست‌های کلیدی حکومت اسلامی را به کسانی بدهید که ریشه

خانوادگی دارند و مدارج کمال را پیموده‌اند و این نشان دهنده این است که فرزندان شریف و با فضیلت را باید در خانواده‌های اصیل و خوب سراغ گرفت.

امام علی (ع) می‌فرماید: «کسی که ریشه خانوادگی‌اش شریف است در حضور و غیاب و در هر حال دارای فضیلت و صفات پسندیده است» (علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۸۰: ۳۲۷).

خانواده اساس صحت اخلاقی کودک را بنیان‌گذاری می‌کند. زیرا او ارزش‌های اخلاقی، علاقه به راستی و درستی و تنفر از دروغ و نادرستی و میل به تعاون و همکاری و علاقه به هم‌نوع و بالاخره دوست داشتن فضائل و مبارزات با رذائل و امثال آنها را از محیط خانه و خانواده فرا می‌گیرد.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- سوره بنی اسرائیل، آیه ۸۴
- ۲- سوره اسراء، آیه ۲۳.
- ۳- سوره نقرمان، آیه ۱۵.
- ۴- سوره هود، آیه ۱۱۴.
- ۵- سوره احقاف، آیه ۱۵.



فهرست منابع و مآخذ:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۳)، من لا یحضره الفقیه؛ فقه و علق علیه حسن الموسوی الخراسانی، به تصحیح محمد الاخواندی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- ۳- ابن شعبه، حسن بن علی (۱۳۵۳)، تحف العقول عن آل الرسول (ص)، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ۴- حجتی، محمدباقر (۱۳۵۸)، اسلام و تعلیم و تربیت، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

- ۵- حر عاملی، محمدبن حسن (۱۳۶۲)، وسائل الشیعه، تهران: المکتبه الاسلامیه.
- ۶- شهیدثانی، زیدالدین بن علی (۱۳۶۲)، شرح لمعه الدمشقیه، قم: دارالحکمه.
- ۷- طباطبایی، محمدحسین (بی تا)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۸- طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۵۱)، مکارم الاخلاق، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ۹- عطارن، محمد (۱۳۶۸)، آراء مریان بزرگ مسلمان درباره تربیت کودک، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۱۰- علی بن ابی طالب (ع)، امام اول (۱۳۸۰)، ترجمه و شرح نهج البلاغه، بقلم علینقی فیض الاسلام، بخط طاهر خوشنویس، تهران: تکریم.
- ۱۱- علی بن ابی طالب (ع)، امام اول (۱۳۸۰)، غرر الحکم و درالکلم: تألیف عبدالواحد آمدی؛ ترجمه محمدعلی انصاری، ویرایش و تصحیح مهدی انصاری قمی، قم: امام عصر (عج).
- ۱۲- فلسفی، محمدتقی (۱۳۶۳)، کودک از نظر وراثت و تربیت، تهران: هیئت نشر معارف اسلامی، چاپ سیزدهم.
- ۱۳- قمی، عباس (۱۳۶۳)، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، تهران: انتشارات کتابخانه سنائی.
- ۱۴- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۵۰)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۵- متقی، علی بن حسام الدین (۱۳۷۲)، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت: مؤسسه الرساله.
- ۱۶- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۳۶۲)، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.
- ۱۷- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۳۵۷)، روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه؛ حقق و علق علیه حسین الموسوی الکرمانی، علی پناه اشتهازدی، [قم]: بنیاد فرهنگ اسلامی.
- ۱۸- مکارم شیرازی، ناصر (بی تا)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و یکم.
- ۱۹- نوری، حسین بن محمدتقی (۱۳۶۶)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ تحقیق مؤسسه آل البیت (ع) سلم لاحیاء التراث، قم: چاپ اول.